

تاریخ و تمدن اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، پائیز و زمستان ۸۵، ص ۳۷-۵۰

ابوالحسن علی بن مهدی مامطبری ادیب و محدّثی گمنام از قرن چهارم هجری^۱

مصطفی معلّمی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

Moallemi1352@yahoo.com

چکیده

ابوالحسن علی بن مهدی مامطبری ادیب و محدّث گمنام طبرستانی در قرن چهارم هجری می‌زیسته است. نسخه‌ای از کتاب *نزهة‌الابصار و محاسن الآثار* به قلم این ادیب به تازگی پیدا شده و یکی از نسخه پژوهان ایرانی آن را معرفی کرده ولی تاکنون به چاپ نرسیده است. در این پژوهش شرح حال و آثار ادیب یادشده با نگاهی به کتاب *نزهة‌الابصار* مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مامطبری، *نزهة‌الابصار و محاسن الآثار*، *نهج‌البلاغه*، اهل بیت (ع).

مقدمه

ابوالحسن علی بن مهدی مامطبری^۲ از دانشمندان برجسته قرن چهارم هجری بوده است که کمتر در محافل علمی معرفی شده و اطلاعات جمع‌آوری شده درباره او تاکنون یکجا آرایه نشده است. در این مقاله سعی شده تا به بهانه پیدا شدن نسخه‌ای از یکی از کتابهای وی اطلاعات بیشتری درباره او و نسخه تازه یاب *نزهة‌الابصار و محاسن الآثار* آرایه گردد.

چند سال قبل یکی از نسخه پژوهان ایرانی نسخه‌ای از کتاب *نزهة‌الابصار و محاسن الآثار* را در یکی از مجلات معرفی کرد^۳. ایشان عنوان «*نهج‌البلاغه* پیش از *نهج‌البلاغه*» را برای مقاله

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۴/۱۰/۵، تاریخ تصویب، ۱۳۸۵/۷/۱۸.

۲. منسوب به مامطیر به فتح میم دوم، شهری کوچک میان آمل و ساریه در طبرستان که اکنون بابل نام دارد، ابن فقیه آن را مامطیر ضبط کرده است. یاقوت حموی بدون توجه به یکی بودن مامطیر و مامطیر برای هر یک مدخلی جداگانه آورده است. ابن فقیه همدانی، ۲۷۷؛ یاقوت حموی، ۴۴/۵، ۱۹۸.

۳. انصاری قمی، حسن، «*نهج‌البلاغه* پیش از *نهج‌البلاغه*»، نشر دانش، س ۱۹، ش ۱۰۰، ص ۶۳.

خویش برگزید که به حق عنوان مناسبی بوده است چراکه کتاب مذکور دربرگیرنده بسیاری از سخنان علی (ع) است و این در حالی است که تاریخ تألیف کتاب یاد شده به احتمال بسیار قوی پیش از نهج البلاغه بوده است.^۱ نکته مهم در مقاله مذکور آن بود که نگارنده نتوانست نام مؤلف کتاب را به یقین تعیین کند. با آن که فهرست نگاران کتابخانه بزرگ حضرت آیت اله مرعشی و نیز مرکز احیاء میراث اسلامی نسخه یاد شده را معرفی کرده‌اند ولی آنان نیز نام مؤلف را به دست نیاوردند.^۲ از آنجا که ابن شهر آشوب مازندرانی (د. ۵۸۸ق) ابوالحسن علی بن مهدی مامطیری را معرفی و تألیف کتاب *نزهة الابصار و محاسن الآثار* را به ایشان نسبت داده است بر آن شدم تا شروع پژوهش را به گفته‌های ایشان پیوند زنم. ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* آورده است: «أبو الحسن علی بن مهدی المامطیری زیدی إلا أن له کتاب *نزهة الابصار و محاسن الآثار*».^۳ ابن شهر آشوب از کتاب *نزهة الابصار* در *مناقب آل أبي طالب* بهره برده است. وی در مقدمه، آن جا که منابع خویش را معرفی کرده است در میان کتب عامه کتاب *نزهة الابصار* را ذکر و دربارهٔ اسناد آن آورده است: «... إسناده نزهة الابصار عن شهر آشوب عن القاضي أبي المحاسن الرویانی عن أبي الحسن علی بن مهدی المامطیری».^۴ استفاده ابن شهر آشوب از *نزهة الابصار* تنها محدود به کتاب مناقب نبوده بلکه در کتاب *مثالب النواصب* نیز از مطالب آن بهره برده است.^۵

ابن اسفندیار کاتب (زنده به سال ۶۱۳ق) شخصی به نام ابن مهدی مامطیری را از جمله شاگردان مستفید ابومحمد حسن بن علی معروف به ناصر کبیر (د. ۳۰۴ق) بر شمرده است.^۶ او همچنین هنگام معرفی معاریف طبرستان چنین آورده است: «... از ائمه کبار طبرستان که از جمله مفاخر شمرند، امام بارع ابن مهدی مامطیری بود و تربت او به مامطیر من زیارت کردم».^۷

۱. با توجه به تاریخ ولادت ابن مهدی که احتمالاً در سالهای میان ۲۸۰ تا ۳۰۰ هجری اتفاق افتاده است می‌توان ظن قریب به یقین پیدا کرد که کتاب *نزهة الابصار* پیش از *نهج البلاغه* تألیف شده باشد.

۲. سید جعفر و سید صادق حسینی اشکوری، ۳/۳۷۶؛ متقی، ۶۰۹.

۳. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ۷۱.

۴. همو، *مناقب آل أبي طالب*، ۱۲۱، ۷۰.

۵. همو، *مثالب النواصب*، ۵۰۴، ۵۸۲، ۶۳۶.

۶. ابن اسفندیار، ۹۷.

۷. همو، ۱۲۵.

از آنجا که ابن شهر آشوب، ابن مهدی را زیدی مذهب معرفی کرده بود به آثار زیدیه مراجعه کردم تا اخباری درباره او به دست آورم. در کتاب *أعلام المؤلفین الزیدیه* از چنین شخصی یاد نشده است. در *طبقات الزیدیه* نیز از او نامی به میان نیامده است. کتاب *مطلع البدور* و *مجمع البحور* که حاوی شرح حال بسیاری از علمای زیدیه است مدخلی برای او اختصاص نداده است؛ اما در کتاب *تیسیر المطالب فی أمالی اَبی طالب* از کتب معروف زیدیه از شخصی به نام ابوالحسن علی بن مهدی طبری یاد شده است. سید ابوطالب هارونی بارها در *أمالی* خود از فردی به نام ابوالحسن علی بن مهدی طبری با الفاظ آخبرنا، حدَّثنا و اَملی علینا روایت کرده است.^۱ همچنین در کتاب *الاعتبار و سلوة العارفين*، نوشته حسین بن اسماعیل جرجانی ملقب به الموفق بالله (د. ۴۲۵ق)، که از کتب معروف زیدیه به شمار است نام علی بن محمد بن مهدی طبری ذکر شده است.^۲ محمد بن حسن عجری از علمای معاصر زیدی مذهب در شرح حال ابوالحسن علی بن مهدی طبری آورده است: «علی بن مهدی هو ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی، ابوالحسن الطبری أخذ الأعلام من ثقات محدثی الشیعه، قال فی الجداول: کان حافظاً مبرزاً فی العلوم ما شوهد فی أيامه مثله».^۳

آنچه در دو کتاب *تیسیر المطالب و الاعتبار و سلوة العارفين* از ابن مهدی طبری روایت شده عیناً در نسخه *نزهة الابصار* وجود دارد. حتی در مواردی که رجال سند ذکر شده اند تطابق کامل میان سه کتاب مذکور وجود دارد.^۴ از این رو روشن شد که مامطیری به طبری نیز معروف بوده است، اما از کتب زیدیه اطلاعاتی افزون بر آنچه ذکر شد به دست نیامد. با روشن شدن این نکته که ابوالحسن علی بن مهدی مامطیری همان ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی طبری است افق تازه‌ای فراروی نگارنده قرار گرفت تا به دنبال اخباری درباره ابوالحسن علی بن مهدی

۱. هارونی، ۷۷، ۹۶، ۱۸۲.

۲. جرجانی، ۶۰۳، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۸.

۳. عجری، ۶۷۱ (در کتاب *بغیة الطالب* که ضمن *تیسیر المطالب* به چاپ رسیده است).

۴. به دیگر سخن، ابن شهر آشوب *نزهة الابصار* را به علی بن مهدی مامطیری نسبت داده و خود نیز از این کتاب بهره برده و مطالبی از آن را نقل کرده است و از سوی دیگر در *تیسیر المطالب و الاعتبار و سلوة العارفين* مطالبی نقل شده از علی بن مهدی و یا علی بن محمد بن مهدی طبری که عیناً هم از نظر متن و هم رجال سند با مطالب موجود در *نزهة الابصار* وحدت دارد از این رو به راحتی می‌توان دریافت که علی بن مهدی مامطیری همان علی بن مهدی طبری و یا علی بن محمد بن مهدی طبری است.

طبری جستجوی جدیدی را آغاز کند.

أبو الحسن علی بن مهدی طبری (مامطیری) در آثار أهل سنت

أبو حیان توحیدی (د. قبل از ۴۰۰ ق) آورده است: «وَلَقَدْ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مَهْدِي الطَّبْرِيِّ قَالَ: قُلْتُ بِبَغْدَادَ لِأَبِي بَشْرٍ لَوْ نَظَرْتَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْفَقْهِ مَعَ هَذِهِ الْبِرَاعَةِ الَّتِي لَكَ فِي الْكَلَامِ وَ هَذَا اللِّسَانِ الَّذِي تَحْيِّرُ فِيهِ كُلَّ خَصْمٍ قَالَ: أَفْعَلُ، قَالَ فَكُنْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهِ بِالنَّهَارِ مَعَ الْمُخْتَلَفَةِ الْكَلَامِ وَ كَانَ يَقْرَأُ عَلَيَّ بِاللَّيْلِ شَيْئاً مِنَ الْفَقْهِ...»^۱.

ابوعاصم محمد بن أحمد عبّادی (د. ۴۵۸ ق) او را در طبقه چهارم اصحاب شافعی (د. ۲۰۴ ق) ذکر کرده است.^۲ ابن عساکر (د. ۵۷۱ ق) در تبیین کذب المفتیری بانی گشوده است با عنوان «ذِكْرُ جَمَاعَةٍ مِنْ أَعْيَانِ مَشَاهِيرِ أَصْحَابِهِ [أَبُو الْحَسَنِ أَشْعَرِي (د. ۳۲۴ ق)] إِذِ كَانَ فَضْلُ الْمُقْتَدَى يَدُلُّ عَلَى فَضْلِ الْمُقْتَدَى بِهِ»^۳ او در این باب آورده است: «وَمِنْهُمْ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْدِي الطَّبْرِيِّ». بنا به گزارش او ابن مهدی مدتی در بصره مصاحب أبو الحسن أشعری بوده و از او بهره برده است. ابن عساکر همچنین ملاقات و مرادده ابو حیان توحیدی با علی بن محمد بن مهدی طبری را تأیید کرده است.^۴

ابن تیمیه (د. ۷۲۸ ق) وی را أبو الحسن علی بن مهدی الطبری خوانده و از ائمه أشعریه به شمار آورده است.^۵ ابن جماعه (د. ۷۲۷ ق) نوشته است: «أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مَهْدِي الطَّبْرِيِّ صَاحِبُ الْفَقْهِ وَ الْكَلَامِ وَ الْأَصُولِ وَ الْإِدْبِ وَ النَّحْوِ وَ الْحَدِيثِ»^۶. ذهبی (د. ۷۴۸ ق) نیز از او به نام أبو الحسن بن مهدی الفقیه یاد کرده است.^۷

در میان علمای أهل سنت بیش از همه تاج الدین سبکی به جستجو درباره أبو الحسن بن مهدی طبری پرداخته است. وی ذیل شرح زندگی أبو الحسن أشعری به تعدادی از دانشمندان

۱. ابو حیان توحیدی، ۳۵-۳۶؛ ترجمه: «و همانا علی بن مهدی طبری خبر داد مرا که در بغداد به ابوبشر گفتم چه خوبست با این تبحر که در کلام داری و زبان گویایی که هر دشمنی را به تعجب واداشته، اندکی هم از فقه فرا می‌گرفتی! ابوبشر پاسخ داد. فرا خواهیم گرفت. پس روزها از او کلام می‌آموختم و او شبها از من فقه فرا می‌گرفت.

۲. عبّادی، ۸۵.

۳. ابن عساکر، تبیین کذب المفتیری، ۱۷۷، ۳۹۹، ۴۰۰.

۴. ابن تیمیه، ۱۲۷/۱.

۵. ابن جماعه، ۲۳.

۶. ذهبی، ۷۴/۱۰.

اشاره کرده که با اشعری معاصر بوده و بعضاً از آراء و اندیشه‌های او پیروی کرده‌اند. آن‌گاه آورده است: «و رُبَمَا كَانَ فِي هَؤُلَاءِ مَنْ لَمْ يَثْبُتْ عِنْدَنَا أَنَّهُ جَالِسُ الشَّيْخِ وَ لَكِنْ كَلَّمَهُمْ عَاصِرُوهُ وَ تَمَذَّهَبُوا بِمَذْهَبِهِ وَ قَرَّوُوا كُتُبَهُ وَ أَكْثَرُهُمْ جَالِسَةٌ وَ أَخَذَ عَنْهُ شَفَاهَاً وَ أَحْصَاهُمْ بِالشَّيْخِ أَرْبَعَةً...»^۱. چهارمین نفر ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی طبری بوده که سبکی در مدخلی جداگانه به بیان شرح زندگی او پرداخته است. او به نقل از شاگرد ابن مهدی، أبو عبدالله حسین بن أحمد أسدی، آورده است: «و كَانَ شَيْخُنَا وَ أَسَاتِذُنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنِ مَهْدِي الطَّبْرِيِّ الْفَقِيهِ مُصَنِّفًا لِلْكَتَبِ فِي أَنْوَاعِ الْعُلُومِ، حَافِظًا لِلْفِقْهِ وَ الْكَلَامِ وَ التَّفَاسِيرِ وَ الْمَعَانِي وَ أَيَّامِ الْعَرَبِ فَصِيحًا مَبَارِزًا فِي النَّظَرِ مَا شُوهِدَ فِي أَيَّامِهِ مِثْلَهُ». سبکی همچنین اشاره کرده که تا قبل از نوشتن طبقات الشافعية الكبرى گمان داشته مهدی نام پدر ابوالحسن طبری است اما سپس دریافته که مهدی نام جد او بوده و پدرش محمد نام داشته است.^۲

سخن در باب نزهة الابصار

آیا نسخه تازه یاب که نام آن به شهادت مقدمه مؤلف، نزهة الابصار و محاسن الآثار است همان نزهة الابصاری است که ابن شهر آشوب به علی بن مهدی مامطیری نسبت داده است؟ و آیا ابوالحسن علی بن مهدی مامطیری همان ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی طبری است؟ به دلایلی چند پاسخ دو سؤال یاد شده مثبت است: نخست اینکه مقایسه منقولات ابن شهر آشوب از کتاب نزهة الابصار (چه در مناقب و چه در مثال) با آنچه در نسخه تازه یاب آمده نشان می‌دهد که مطالب عیناً تطابق دارند.^۳ دوم اینکه منقولات سید ابوطالب هارونی و نیز الموفق بالله از ابوالحسن علی بن مهدی طبری عیناً در نسخه تازه یاب نزهة الابصار موجود است.^۴

۱. سبکی، ۳۶۸/۳. ترجمه: «و چه بسا در میان آنان کسانی بوده‌اند که برای ما هم‌نشینی آنان با شیخ ثابت نشده است ولی همگی با او معاصر بوده و از اندیشه او پیروی کرده‌اند و کتابهای او را خواندند، و بیشتر آنها هم نشین شیخ بوده‌اند و شفاهاً از او بهره گرفته‌اند اما نزدیکترین آنها به شیخ چهار نفر بوده‌اند».

۲. همو، ۴۶۷/۳.

۳. مامطیری، برگ ۱۸، الف: ابن شهر آشوب، مناقب، ۲، ۱۷۷.

۴. هارونی، ۹۰، ۹۶، ۹۹، ۴۲۴، ۴۶۶، ۵۰۳؛ ابن مهدی مامطیری، برگهای ۵۸، ۶۲، ۸۱، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۳۳؛ الموفق بالله جرجانی، ۶۰۳، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۸.

سوم اینکه ابوسعید محسن بن محمد معروف به شرف الاسلام بیهقی (د. ۴۹۴ق) در کتاب *تنبيه الغافلین* دو روایت از ابوالحسن علی بن مهدی طبری آورده که عیناً در نسخه تازه یاب موجود است.^۱ درخور توجه اینکه واسطه ابوسعید در نقل روایت فردی است که منابع دیگر از او به عنوان شاگرد ابوالحسن علی بن مهدی طبری یاد کرده‌اند، و همین شاگرد در نقل روایت به اجازه استاد خود (ابوالحسن علی بن مهدی) استناد کرده است.^۲

چهارم اینکه ابن اسفندیار، ابن مهدی مامطیری را از شاگردان مستفید ناصر اطروش معرفی کرده است و در نسخه تازه یاب، مؤلف آن، چندین بار گفته است: «أخبرنا الناصر للحق علیه السلام».^۳

پنجم اینکه ابن عساکر در شرح حال فردی به نام محمد بن علی بن هاشم آورده است: «روی عنه ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی الطبری الفقیه المتکلم».^۴ در نسخه مورد بحث نیز مؤلف بارها گفته است: «أخبرنا محمد بن علی بن هاشم».^۵

ششم اینکه نه تنها عین روایات منقول و پراکنده در کتب دیگر در نسخه مورد بحث وجود دارد بلکه راویان واقع در سلسله اسناد که ابن مهدی از آنان نقل کرده یکی هستند.

مشایخ ابن مهدی مامطیری با استخراج از دو کتاب *نزهة الابصار* و *تیسیر المطالب*:

۱. ابومحمد حسن بن علی معروف به الناصر للحق (د. ۳۰۴ق)
۲. ابوبکر محمد بن قاسم معروف به ابن الانباری (د. ۳۲۸ق)^۶
۳. أحمد بن هاشم بن محمد الفیدی الطریقی (د. بعد از ۳۲۰ق)^۷
۴. ابوعبداله ابراهیم بن محمد معروف به نبطویه (د. ۳۲۳ق)^۸
۵. ابوالحسن أحمد بن محمد العروسی (د. ۳۲۴ق)^۹

۱. شرف الاسلام بیهقی، ۷۰؛ مامطیری، ۳۷ ب.

۲. لالکایی، ۲/۲۶۷.

۳. مامطیری، ۱۸ ب، ۵۲ الف، ۵۹ ب.

۴. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق* ۳۹۹/۵۴.

۵. مامطیری، ۵ الف، ۵۱ ب، ۵۷ ب.

۶. همو، ۱۹ الف.

۷. همو، ۵۲ ب.

۸. همو، ۲۲ ب.

۹. همو، ۲۸ الف.

۶. ابوبکر محمدبن حسن بن درید معروف به ابن درید (د. ۳۲۱ق)^۱
۷. ابوبکر محمدبن الفضل الاملی (د. اوایل قرن چهارم)^۲
۸. ابوحامد محمدبن هارون البغدادی (د. ۳۲۱ق)^۳
۹. علی بن نعیم(؟)^۴
۱۰. ابومحمد عبیداله بن عبدالرحمن السکری (د. ۳۲۳ق)^۵
۱۱. ابوالحسین الغازی محمدبن ابراهیم بن شعیب السروی(د. حدود ۳۱۱ق)^۶
۱۲. ابوالقاسم عبدالله بن بنت منیع البغوی (د. ۳۱۷ق)^۷
۱۳. ابوجعفر محمدبن عبدالله بن مسلم^۸
۱۴. ابومحمد الرویانی^۹
۱۵. ابوجعفر محمدبن جریر طبری (د. ۳۱۰ق)^{۱۰}
۱۶. محمدبن علی بن هاشم مامطیری (د. نیمه اول قرن چهارم هجری)^{۱۱}
۱۷. علی بن الحسین (؟)^{۱۲}

تاریخ ولادت و وفات ابن مهدی مامطیری

کسی از مورخان و شرح حال نویسان به تاریخ ولادت او اشاره نکرده است؛ اما از آنجا که محضر ناصر کبیر (د. ۳۰۴ق) را درک کرده می‌توان نتیجه گرفت که یقیناً قبل از سیصد هجری و احتمالاً در دهه‌های پایانی سده سوم هجری به دنیا آمده باشد. درباره تاریخ وفات او نیز هیچ

۱. همو، ۳۲ الف.

۲. همو، ۵۷ الف.

۳. همو، ۱۰۶ الف.

۴. همو، ۱۰۹ ب.

۵. همو، ۱۲۲ الف.

۶. همو، ۱۲۰ الف.

۷. همو، ۶۲ الف.

۸. هارونی، ۷۷.

۹. مامطیری، ۱۲۸ الف.

۱۰. همو، ۱۳۱ الف.

۱۱. همو، ۵۰ الف.

۱۲. همو، ۱۱۱ الف.

اشاره دقیقی وجود ندارد. تاج‌الدین سبکی آورده است: «و لَمْ أَرْ مَنْ أَرَّخَ وَفَاتَهُ»^۱. اما بنا به گزارش ابن عساکر (د. ۵۷۱ق) أبو‌الفضل محمدبن علی بن احمد بسطامی محضر علی بن محمد بن مهدی طبری را درک کرده است و از آنجا که بسطامی مذکور بنا به گزارش سمعانی (د. ۵۶۲ق) متولد سال ۳۷۹ق بوده پس می‌توان احتمال داد ابن مهدی تا این سال زنده بوده است.^۲

در ابتدای مقاله اشاره رفت که قاضی ابوالمحاسن رویانی (د. ۵۰۱ق) محضر ابن مهدی را درک کرده است. از سویی روشن است که ابوالمحاسن به سال ۴۱۵ق دیده به جهان گشود، پس بسیار بعید به نظر می‌رسد که ابن مهدی تا سال ۴۱۴ق و پس از آن در قید حیات بوده است.^۳ حل این غامضه به آن شاید نمود که میان ابن مهدی و ابوالمحاسن واسطه‌ای وجود داشته که ابن شهرآشوب و یا ابوالمحاسن از ذکر آن غفلت کرده‌اند و یا اینکه ابن مهدی از معمرین بوده است.

تألیفات ابن مهدی

ابن شهرآشوب علاوه بر *نزهة الابصار* کتاب دیگری به نام *مجالس* را به او نسبت داده است.^۴ ابن عساکر دو کتاب با عنوانهای *تأویل الأحادیث المشکلات الواردة فی الصفات* و *مشکل الآیات* را به ابن مهدی نسبت داده است.^۵ ابوعثمان صابونی (د. ۴۴۹ق) در مقدمه کتاب مختصر خویش موسوم به *عقیده السلف* آورده است: «و ذکر ابن مهدی الطبری فی کتابه الاعتقاد الذی صنفه لأهل هذه البلاد...». از این عبارت و نیز عبارت «و إنما ذکرتُ هذا الفصلَ بعینه من کتاب ابن مهدی لأستحسانی ذلك منه فأنه أتبع السلف أصحاب الحديث فیما ذکره» چنین برمی‌آید که ابن مهدی کتابی به نام *الاعتقاد* داشته و نسخه‌ای از آن نزد ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمن صابونی شافعی موجود بوده است.^۶

۱. سبکی، ۴۶۷/۳.

۲. ابن عساکر، تبیین کذب المقتری، ۱۴۱، سمعانی، ۳۵۱/۱.

۳. اسنوی، ۱۸۶.

۴. ابن شهرآشوب، مناقب، ۳۷۹/۱.

۵. ابن عساکر، همان، ۱۹۵.

۶. صابونی، ۲.

از تمام کتبی که به ابن مهدی نسبت داده شده است تنها کتاب *نزهة الابصار* و *محاسن الآثار* تاکنون به دست آمده است. بیهقی صاحب *سنن کبری* در کتاب خود موسوم به *الأسماء* و *الصفات* که حاوی نکات تفسیری و کلامی است بارها مطالبی را از یکی از کتابهای علی بن مهدی طبری نقل کرده است که جمع‌آوری آن مطالب می‌تواند به بازنویسی یک از آثار ابن مهدی کمک نماید.^۱

رحله‌های علمی ابن مهدی

ابن مهدی برای تحصیل علم و درک محضر علمای عصر خویش به شهرهای آمل، بصره، بغداد و مصر مسافرت کرد. او پس از اندوختن خرمی پربار از علم و دانش به طبرستان مولد خویش بازگشت و تا آخر عمر در مامطیر ماند.^۲ از شاگردان او می‌توان به سیدابوطالب هارونی امام زیدیه گیلان، أبو عبدالله حسین بن احمد أسدی، ابوجعفر محمدبن قاسم حسنی، أبو محمد عبدالله بن محمد رویانی و ابوجعفر محمدبن عبدالحمید طبری اشاره کرد.

مذهب ابن مهدی مامطیری

گرچه ابن شهرآشوب او را زیدی خوانده است اما این سخن درست نیست. آنچه در آثار زیدیه از ابن مهدی ثبت شده همگی به مناقب علی علیه‌السلام اختصاص دارد که منبع آن کتاب *نزهة الابصار* است. از پیش هم اشاره رفت که تراجم نویسان زیدیه نامی از او به عنوان فقیه زیدی به میان نیاورده‌اند. افزون بر این علمای معاصر زیدیه برای نوشتن شرح حال ابن مهدی به کتاب *طبقات شافعیه* مراجعه کرده‌اند.^۳

با توجه به دو نکته می‌توان دریافت که ابن شهرآشوب می‌دانسته که ابن مهدی امامی مذهب نبوده است. نکته اول اینکه او در *نزهة الابصار* روایت کرده که پیامبر(ص) هنگام وضو، پای مبارک خویش را می‌شسته است و این درحالی است که ابن مهدی هیچ اعتراضی نکرده و

۱. بیهقی، ۳۱۰، ۳۳۹، ۳۵۲، ۳۹۷، ۴۱۰.

۲. با بررسی کتابهای *نزهة الابصار*، *تیسیرالمطالب*، *تاریخ طبرستان*، *تاریخ مدینه دمشق* نام شهرهایی که مامطیری در آنها بوده به دست آمده است.

۳. آنچه فی‌المثل عجری نقل کرده از *طبقات الشافعیة* سبکی بوده است.

روایت را تلقی به قبول نموده است.^۱ و نکته دوم اینکه ابن مهدی در بخشی از کتاب به یک دوازده امامی اشاره و از او چنین تعبیر کرده است: «واحداً من المتشیعة الأمامیه» چنین تعبیر کنایه آمیزی می‌تواند حاکی از آن باشد که او آن فرد را شیعه واقعی نمی‌دانسته است. اما اینکه چرا ابن شهر آشوب ابن مهدی را زیدی خوانده مطلبی است که نیاز به بررسی و پژوهش بیشتری دارد.^۲

آنچه از کتب اهل سنت به دست می‌آید نشان می‌دهد که ابن مهدی در اصول اعتقادی پیرو ابوالحسن اشعری بوده و در فروغ فقهی نیز از مکتب محمد بن ادریس شافعی تبعیت می‌کرده است. دلیل اشعری بودن او، تصریحات شاگردان او و نیز علمایی نظیر ابن عساکر و تاج‌الدین سبکی و بالاتر از همه منقولات ابوعثمان صابونی و بیهقی از کتابهای ابن مهدی است. او بارها در *نزهة/الابصار* از شخصی، تنها با لفظ شیخ (وقال الشيخ) یاد کرده است که به نظر نگارنده منظور او شیخ و استادش ابوالحسن اشعری بوده است.^۳ ابن مهدی در *نزهة/الابصار* آورده است: «و رُوِيَ أَنَّ امير المؤمنين عليه السلام قال يومَ الجملِ حينَ رأى كثرةَ القتلى لأبنه الحسن عليه السلام يا ليتَ أباكَ كانَ قدامتَ قَبْلَ هذا بعشرينَ سنةً و زعمَ بعضُ كبراءَ المعتزلة أنَ هذا القولَ منه يُدلُّ على ضَعْفِ عقيدتهِ في المحاربةِ معَ القومِ و هذا فَعَلَطٌ مِنْه فاحشٌ و ليسَ الأمرُ على ما قَدَّرَ...»^۴،^۵ این اعتراض تند او به یکی از پیشوایان معتزله می‌تواند تأییدی بر اشعری

۱. مامطیری، ۵۶ ب.

۲. نگارنده بر این باور است که ابن شهر آشوب با توجه به مطالب کتاب *نزهة/الابصار* چنین استنباط کرده که مؤلف آن زیدی مذهب است؛ چراکه در جایی مؤلف روایتی آورده که نشان می‌دهد اولاد علی علیه السلام صلاحیت امامت را دارند و نیز در جایی از یکی از رجال معروف زیدیه یعنی ناصر کبیر روایت کرده است. این امور ابن شهر آشوب را به سوی زیدی انگاشتن مؤلف *نزهة/الابصار* سوق داده است. مخفی نماند که گویا تشیع ابن مهدی نزد ابن شهر آشوب مفروغ عنه بوده است.

۳. همو، ۱۴۱ ب، ۱۴۳ الف، ۱۴۴ ب.

۴. ابن مهدی مامطیری، ۱۴۴ الف، ترجمه: «آورده‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل پس از مشاهده کثرت کشته شدگان به فرزندش حسن علیه السلام فرمود. ای کاش پدرت بیست سال پیش از این از دنیا رفته بود.» و کسی از بزرگان معتزله گمان برده که این سخن آن حضرت (ع) نشان از تردید ایشان در جنگ با اصحاب جمل دارد، این گمان غلط فاحش است و ماجرا آن گونه که گمان کرده نیست.

۵. ابن مهدی خود در پاسخ به معترض افزوده است که این سخن علی علیه السلام نظیر قول حضرت مریم علیها السلام است که فرمود. «یا لیتنی مت قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً» مریم، ۲۳.

بودن او باشد.

نگارنده در باب شافعی مذهب بودن او به نوشته‌های عبادی، سبکی و ابن عساکر تکیه کرده است چرا که به روشنی ثابت می‌کند که ابن مهدی از بزرگان مذهب شافعی بوده است. و جای هیچ بحث و گفتگویی باقی نمی‌ماند.

از شیوه نقل روایات در *نزهة/الابصار* چنین به دست می‌آید که مؤلف درصدد بوده تا از ایراد مطالبی که موجب تفرقه و یا آشوب می‌شده پرهیز کند. برای مثال او هنگام نقل یکی از خطب علی (ع) بخشی از آن را حذف کرده که آن بخش اشاره حضرت علیه‌السلام به خلافت سه خلیفه پیش از خود را دربر داشته است.^۱

نکته بسیار جالب و درخور توجه درباره ابن مهدی آن که او در مقدمه *نزهة/الابصار* اظهار داشته است که اهل بیت پیامبر (ع) برتر از همه مردم بوده‌اند.^۲ این اعتقاد را به سختی می‌توان در کنار پیروی او از اهل سنت و نیز اشعری بودن وی قرار داد. افزون بر این او آورده است: «و یروی آنه (علی بن ابی طالب) قال صلوات اله علیه انا قسیم النار یرید «والله أعلم» ان الناس فریقان فریق معی فهُم علی هدی و فریق علی فهُم علی ضلال و انا قسیم النار نصف فی الجنة معی و نصف فی النار لأجلی و قد یكون قسیم بمعنی مقاسم مثل جلیس و اکیل و شریب فکأنه یقسّم الناس فیجعل موالیه فی الجنة و مُناویه فی النار بأمرالله سبحانه و تعالی و اذنه».^۳ بیان چنین مطالبی درباره سخنان آن حضرت (ع) در حالی صورت پذیرفته است که بسیاری از علمای اهل سنت روایت و سخن مذکور را ساخته غلاة دانسته و آن را دورغ شمرده‌اند.^۴ در مجامیع روایی اهل سنت نیز کمتر کسی آن را نقل کرده است. گویا رواج دوستی اهل بیت

۱. مامطیری، ۸۶.

۲. همو، ۱۷ الف و ب.

۳. همو، ۱۳۵ الف، ترجمه «می‌گویند. آن حضرت که درود خدا بر او باد فرمود. من قسیم آتش هستم یعنی «و خداوند آگاهتر است» اینکه مردم دو گروه هستند. گروهی با من که آنان بر طریق هدایتند و گروهی بر من که آنان بر طریق گمراهی‌اند و من قسیم آتش هستم، نیمی از مردم با من و نیمی در آتش به خاطر من و گاهی قسیم بمعنای مقاسم است همانند جلیس، اکیل و شریب گویا اینکه ایشان مردم را قسمت می‌کنند و دوستانان خویش را در بهشت و دشمنان خویش را به امر و اذن خداوند سبحان در آتش قرار می‌دهد. معنای اخیر را ابن قتیبة در *غریب الحدیث* آورده است (ابن قتیبة، ۳۷۷/۱).

۴. عقیلی، ۴۱۵/۳؛ ابن عدی، ۳۳۹/۶؛ ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۳۸۷/۲.

علیهم السلام در طبرستان فضای مناسبی برای پذیرش چنین روایاتی را پدید آورده و این امکان را نیز بوجود آورده بود که فردی نظیر ابن مهدی مامطیری اشعری شافعی کتابی تألیف کند که مشابه آن را بعدها و یا همزمان سید رضی رَحِمَهُ اللهُ تألیف کرده است.

اکنون مناسب است تا اندکی پیرامون محتوای *نزهة الابصار* و *محاسن الآثار* سخن به میان آورده شود. مؤلف در مقدمه، از اوضاع بد زمانه و دوری مردم از علم، ادب و دانش شکوه کرده و ناآگاهی آنان از فضائل اهل بیت علیهم السلام را علت تألیف کتاب خوانده است.^۱ آن گاه، گذرا و مختصر به بعضی از فضایل و ویژگیهای برجسته علی (ع) پرداخته است. سه واژه قریش، هاشم و عترت را نیز در مقدمه توضیح داده است.^۲ پس از مقدمه، به ذکر اخبار و محاسن علی (ع) پرداخته و تا پایان نسخه موجود به این کار ادامه داده است. نسخه موجود بدون خطبه پایان می‌یابد و این در حالی است که مؤلف به وعده خویش درباره ذکر اخبار اولاد علی علیه السلام عمل نکرده است.^۳ می‌توان احتمال داد که این نسخه ناقص و ناتمام است، نگارنده این احتمال را قوی می‌داند چراکه برای مثال ابن شهر آشوب در دو کتاب *مناقب* و *مثالب* مطالبی را از *نزهة الابصار* نقل کرده که در نسخه موجود یافت نمی‌شود.^۴

همانگونه که اشاره رفت نسخه موجود و تازه‌یاب چندسال قبل معرفی شده است و نسخه پژوه محترم به اهمیت تاریخی آن به خوبی توجه داده است. امید است با چاپ این نسخه ارزشمند در آینده نزدیک همگان به این کتاب عزیز دسترسی پیدا کرده و خدمتی نو به اهل

۱. از آنجا که تاریخ تألیف *نزهة الابصار* روشن نیست و از سوی سیدرضی رحمه الله در نیمه دوم قرن سوم هجری می‌زیسته، نگارنده تقدم تألیف *نزهة الابصار* را بر *نهج البلاغه* با احتیاط می‌پذیرد افزون بر این تاریخ وفات ابن مهدی نیز روشن نیست و حتی احتمال می‌رود که قرن پنجم هجری را درک کرده باشد، پس باید تقدم تألیف *نزهة الابصار* را با احتیاط بسیار پذیرفت. مخفی نماند که در هر صورت به دلیل مسند بودن بسیاری از روایات *نزهة الابصار* دیگر جای اعتراض برای کسانی نظیر ابن خلکان و ذهبی باقی نمی‌ماند که تألیف *نهج البلاغه* را به سیدرضی و حتی سیدمرتضی نسبت داده‌اند. ابن خلکان، ۳۱۳/۳؛ ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۱۲۴/۳.

۲. ابن مهدی در مقدمه آورده است علت تألیف این کتاب آن بوده که آنان که به این کتاب می‌نگرند و در آن اندیشه می‌کنند پاک رفتاری، بزرگ منشی، دانشوری، فرهیختگی، صفای ادب، نیک‌گفتاری و اشعار ناب آنها را بدانند و دریابند و آگاه شوند که خداوند بزرگ آنها را مقدم داشته و برتری داده است.

۳. مامطیری، ۲۱.

۴. همانجا.

۵. ابن شهر آشوب، *مناقب*، ۷۴/۱؛ *مثالب*، ۵۰۴، ۵۸۲.

بیت علیهم السلام صورت پذیرد^۱.

کتابشناسی

ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن، *تاریخ طبرستان*، به کوشش عباس اقبال، تهران، کلاله خاور، ۱۳۶۶ش.

ابن تیمیّه، أحمد بن عبدالحلیم، *بیان تلبیس الجهمیة*، به کوشش محمد بن عبدالرحمن، مکه مکرمه، مطبعة الحكومة، ۱۳۹۲ق.

ابن جماعة، محمد بن ابراهیم، *ایضاح الدلیل فی قطع حجج أهل التعطیل*، به کوشش وهبی سلیمان غاوجی الألبانی، ریاض، دارالسلام، ۱۹۹۰م.

ابن حجر، أحمد بن علی، *فتح الباری*، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.

ابن خلکان، أحمد بن محمد، *وفیات الأعیان و انباء ابناء الزمان*، به کوشش إحسان عباس، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۶۸م.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم العلماء*، نجف، مطبعة حیدریة، ۱۳۸۰ق.

_____، *مناقب آل أبی طالب*، به کوشش گروهی از علمای نجف، نجف، مطبعة حیدریة، ۱۳۷۶ق.

_____، *مثالب النواصب*، نسخه عکسی، مرکز احیاء میراث اسلامی، ش ۶۸.

ابن عدی، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

_____، *تبیین کذب المفتری*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۴ق.

ابن الفقیه، ابوبکر أحمد بن محمد، *مختصر کتاب البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

ابن قتیبة، ابومحمد عبدالله بن مسلم دینوری، *غریب الحدیث*، به کوشش عبدالله الجبوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

ابو حیان توحیدی، علی بن محمد، *الإمتاع و المؤمنة*، به کوشش أحمد أمين و أحمد الزین، قم،

۱. قبلاً اشاره شد که جناب حسن انصاری قمی چند سال قبل این نسخه را معرفی و آن گاه جناب علامه محمدباقر محمودی رحمة الله علیه کار تصحیح این نسخه را آغاز اما قبل از چاپ آن دار فانی را وداع گفته‌اند. چندی پیش جناب آقای مبلغی طی مصاحبه‌ای اعلام داشته‌اند که مجمع تقریب بین‌المذاهب قصد چاپ این نسخه تصحیح شده ارزشمند را دارد. امید است این کار به انجام رسد. (مجله شهاب، زمستان ۸۳، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۲۲).

- انتشارات شریف الرضی، بی‌تا.
- أسنوی، جمال‌الدین عبدالرحیم، *طبقات الشافعیة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
- بیهقی، احمد بن حسن، *الاسماء و الصفات*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- حسینی اشکوری، سیدصادق و سیدجعفر، *فهرست نسخ خطی و عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی قم*، مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- جرجانی، حسین بن اسماعیل، *الاعتبار و وسلوة العارفین*، به کوشش عبدالسلام عباس وجیه، صنعاء، موسسه الامام زید بن علی، ۱۴۱۲ق.
- ذهبی، شمس‌الذین أبو عبدالله محمد بن أحمد، *میزان الاعتدال*، به کوشش علی محمد البحاوی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۸۲ق.
- *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش شعیب الارنؤوط و محمدنعیم العرقسوسی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
- سبکی، أبونصر عبدالوهاب بن علی، *طبقات الشافعیة الكبرى*، به کوشش عبدالفتاح محمد الحلوی، محمود محمد الطناحی، مصر، هجر للطباعة والنشر، ۱۹۹۲م.
- سمعانی، أبوسعید عبدالکریم بن محمد، *الأنساب*، به کوشش عبدالله عمر البارودی، بیروت دارالجنان، ۱۴۰۸ق.
- شرف الاسلام بیهقی، محسن بن محمد، *تنبيه الغافلین*، به کوشش سید تحسین آل شیبیب، قم، مرکز الغدير، ۱۴۲۰ق.
- صابونی، ابوعثمان، *عقیده السلف*، قاهره، بی‌نا، بی‌تا.
- عبادی، أبو عاصم محمد بن أحمد، *طبقات الشافعیة*، لیدن، بریل، ۱۹۶۴م.
- عجری، محمد بن حسن، *بغیة الطالب*، (ضمن *تیسیر المطالب* به چاپ رسیده) نک: هارونی.
- لالکایی، ابوالقاسم هبة الله بن حسن، *شرح أصول اعتقاد أهل السنة*، به کوشش أحمد سعد حمران، ریاض، دار طيبة، ۱۴۰۲ق.
- مامطیری، أبو الحسن علی بن محمد بن مهدی، *نزهة الابصار و محاسن الآثار*، (نسخه اصل در رم کتابخانه واتیکان، شماره ۱۱۴۷، نسخه عکسی در مرکز احیاء میراث اسلامی قم، شماره ۱۰۹۵)
- متقی، حسین، *معجم الآثار المخطوطة حول الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی^(۵)، ۱۴۲۳ق.
- هارونی، سیدابوطالب، یحیی بن حسین، *تیسیر المطالب*، به کوشش عبدالله بن حمود العزّی، صنعاء، مکتبة الامام زید بن علی (ع)، ۱۴۲۲ق.
- یاقوت حموی، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.